



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲۴ آذر ۱۴۰۴

مصادف با: ۲۴ جمادی الثانی ۱۴۴۷

موضوع جزئی: آیه ۶۲ - تفسیر آیه - بخش سوم: «فلهم اجرهم عند ربهم» -

جلسه: ۲۰

مطلب اول: انتفاء یکی از مؤلفه‌های چهارگانه، ملاک کفر - مطلب دوم: ابدی بودن پاداش -

مطلب سوم: وجود فعلی پاداش

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بخش سوم: «فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ»

بخش سوم آیه ۶۲ این است: «فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ». در آیه ۶۲ دو بخش را توضیح دادیم؛ یکی «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا...»، دوم «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ...»، سوم «فلهم اجرهم...»؛ البته «و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» را می‌توان به عنوان بخش چهارم این آیه در نظر گرفت. در دو بخش قبلی عرض کردیم سخن از مؤمنان به معنای عام، یهودی‌ها، نصاری و صابئین بود؛ کسانی از این گروه‌ها که به خدا و به معاد و نبوت ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند، «فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ». اینجا پاداش آن گروه، یعنی صاحبان مؤلفه‌های چهارگانه سعادت، بیان شده است. دو پاداش برای آنها ذکر کرده است؛ یکی اینکه اجر آنها نزد خدا ابدی است و دوم اینکه خوف و حزن در آنها وجود ندارد.

مطلب اول: انتفاء یکی از مؤلفه‌های چهارگانه، ملاک کفر

مطلب اولی که اینجا لازم است بیان کنیم این است که پاداش ابدی بر آن چهار مؤلفه مترتب شده است؛ «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا»؛ اگر اینجا از سه مؤلفه نام برده، اما گفتیم ایمان به نبی مکرم اسلام (ص) هم در دل اینها وجود دارد؛ چون اینها با هم ملازم هستند. اگر این چهار مؤلفه باشند، چنین نتیجه و ثمراتی دارد. اما در ناحیه عقاب و مجازات و کفر، اگر تنها عمل صالح هم نباشد، مجازات تحقق پیدا می‌کند. مثلاً کسی که ایمان به خدا، ایمان به پیامبر (ص) و معاد داشته باشد اما اهل عمل صالح نباشد؛ یعنی می‌تواند مسلمانی باشد که عمل زشت و طالح دارد، مجازات می‌شود. یا غیر مسلمانی باشد که عمل صالح عرفی داشته باشد نه عمل صالح حقیقی. او هم به واسطه شرک و به واسطه انکار معاد، رها نمی‌شود؛ او هم مجازات می‌شود. پس برای مجازات و کفر، انتفاء یکی از این مؤلفه‌ها کافی است. البته با تفکیک بین اینکه قصور داشته باشد یا تقصیر. ما با فرض قصور کار نداریم؛ یعنی مثلاً کسی نسبت به هر یک از این مؤلفه‌های چهارگانه قصوراً آن را کنار بگذارد، ما فعلاً با این کار نداریم. اما کسی عن تقصیر یکی از این مؤلفه‌های چهارگانه را کنار بگذارد، به همین میزان مجازات می‌شود و کفر می‌بیند، اینکه می‌گوییم یکی، به طریق اولی اگر دو یا سه تا را کنار بگذارد، این اثر مترتب نمی‌شود. ترتب این دو اثر در صورتی است که این مؤلفه‌ها اجتماع کنند و این چهار مؤلفه مجتمع شوند.

آیه می‌فرماید اجر و پاداش اینها نزد خداست. عرض کردیم چون شرط پاداش یا قوام پاداش و جزا به تحقق این چهار عنصر است، در ناحیه کفر صرف عدم تحقق یکی از اینها برای کفر و مجازات کافی است. یعنی اگر هزار عمل صالح هم داشته باشد اما ایمان در دل او نباشد، فایده‌ای ندارد. شاهد آن هم این آیه است: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ».

کسی که عمل صالح انجام بدهد و ایمان هم داشته باشد؛ ایمان به همان سه رکنی که برای آن ذکر کردیم.

مطلب دوم: ابدی بودن پاداش

مطلب دوم این است که خداوند متعال اجری را نصیب آنان می‌کند که ابدی است؛ شاهد بر جاودانه بودن این اجر و ابدی بودن آن، در خود همین آیه وجود دارد. ما دو شاهد داریم که اینجا دلالت می‌کند و شهادت می‌دهد بر اینکه این اجر ابدی و دائمی است.

شاهد اول: یک شاهد تعبیر «عندالله» است؛ خود این ظهور در آن دارد که این دوام دارد و همیشگی و باقی است و زائل شدنی نیست. چون «وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ»^۱، آنچه که نزد خداست، باقی است. اینجا هم فرموده «فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ». شاهد دوم: اینکه در ادامه می‌فرماید «وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» و این مؤید دوام و ابدی بودن پاداش است. چون خوف ناشی از این است که نگران است قبل از پایان مدت و موعد، اجر منقطع شود؛ کسی اجر و نعمت و پاداشی نصیب او شود، اگر احتمال انقطاع قبل از موعد را بدهد، موجب خوف او می‌شود. حزن مربوط به بعد از انقطاع اجر و پاداش است؛ اگر چیزی که در اختیار انسان است از او گرفته شود، انسان محزون می‌شود. خوف نسبت به آینده و حزن نسبت به گذشته است. احتمال از دست دادن اجر، انسان را خائف می‌کند؛ پس از دست دادن اجر، انسان را محزون می‌کند. وقتی خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید «وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» یعنی نه نسبت به آینده این احتمال وجود دارد که این اجر زائل شود و نه نسبت به گذشته حزن هست؛ چون آن اجر زائل نمی‌شود که موجب حزن شود؛ این یعنی دوام و ابدی بودن، یعنی پاداش دائمی خداوند برای ایمان و عمل صالح.

مطلب سوم: وجود فعلی پاداش

نکته دیگری که مربوط به بخش سوم است، این است که خداوند متعال می‌فرماید «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ»؛ ظاهر این جمله آن است که الان اجر و پاداش آنها نزد خداست. یک وقت می‌گوییم اجر و پاداش آنها در آینده به آنها داده خواهد شد؛ مثل اینکه می‌گوید حق آنان محفوظ است؛ یعنی خداوند این را مکتوب و ثبت کرده و به موقع عطا خواهد کرد. «أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ» در واقع اخبار می‌دهد از اجر و پاداشی که خداوند به آنها خواهد داد. اما آیه ظهور در این دارد که الان اجر و پاداش آنها موجود است. اجر و پاداش آنها در حقیقت همان بهشت و جنت الهی است، برخوردار از نعمت‌های الهی است؛ اما نه نعمت‌های دنیایی؛ چون همه نعمت‌های دنیایی زائل شدنی است؛ منظور از اینکه اجر آنها نزد پروردگار است، یعنی همین اکنون بهشت و نعمت‌های بهشت برای آنها موجود است، آن هم نه در عالم ماده، بلکه در باطن این عالم و در عالم ملکوت.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. سوره نحل، آیه ۹۶.